

اللَّهُمَّ سَأَلْتُ عِبَادَكَ قَرْضاً مِمَّا تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيْهِمْ، وَصَمِمْتُ لَهُمْ مِنْهُ خَلْفاً، وَوَعَدْتَهُمْ عَلَيْهِ وَعُدّاً حَسَناً، فَبَخِلُوا عَنْكَ، فَكَيْفَ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ إِذَا سَأَلَهُمْ؟ فَالْوَيْلُ لِمَنْ كَانَتْ حَاجَتُهُ إِلَيْهِمْ.

خداوندا از بندگانت قرض خواسته‌ای از آنچه بر آنان تفضل فرموده‌ای، و برای آنان ضمانت نمودی که آن را عوض دهی، و وعده دادی آنان را بر آن وعده‌ای نیکو، و آنان در برابر تو بخل ورزیدند پس چگونه باشد نسبت به آنکه او از تو پایین تر است اگر از آنها درخواست کند؟ پس وای بر آنکه حاجتش نزد آنان باشد.

فَاعُوذُ بِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَكِلَنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَوْ يَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَتِكَ لَأَمْسَكُوا خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ بِمَا وَصَفْتَهُمْ ﴿وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا﴾.

به تو پناه می‌برم ای سرورم، که مرا به کسی از آنان واگذار کنی که آنان اگر مالک باشند خزانه‌های رحمتت را امساک می‌کردند از ترس انفاق، به آنچه آنان را وصف فرمودی «و انسان بوده است بخیل».

اللَّهُمَّ أَقْذِفْ فِي قُلُوبِ عِبَادِكَ مَحَبَّتِي، وَضَمِّنِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقِي، وَأَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْدَائِكَ مِنِّي، وَانْسِنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَتَمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاجْعَلْهَا مَوْصُولَةً بِكَرَامَتِكَ إِثَائِي، وَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ، وَأَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ، وَلَا تَسْسِنِي، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، أَحِبِّبْنِي وَحَبِّبْنِي، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ حَتَّى أَدْخَلَ فِيهِ بِلْدَةً، وَأَخْرَجَ مِنْهُ بِنِشَاطٍ، وَأَدْعُوكَ فِيهِ بِنَظَرِكَ مِنِّي إِلَيْهِ لِأَدْرِكَ بِهِ مَا عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ الَّذِي مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِكَ، وَأَنَالَ بِهِ طَاعَتَكَ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

خداوندا محبتم را در دل بندگانت بیفکن، و ضامن ساز آسمان‌ها و زمین را در مورد روزی‌ام، و در دل دشمنانت بیفکن هراس از من را، و انس ده مرا با رحمتت، و کامل گردان بر من نعمتت را و آن را پیوسته به کرامتت نسبت به من قرار ده، و الهام کن مرا سیاست را، و واجب کن برای من افزونی از ناحیه خودت را، و مرا فراموش مکن و نه قرار دهی مرا از غافلان، مرا دوست بدار و محبوب گردان مرا، و محبوب ساز نزد من آنچه را دوست داری از گفتار و کردار تا با لذت به آن وارد شوم و با شادابی از آن خارج گردم، و تو را بخوانم در آن با نگاه تو به من، برای آن تا به دست آورم آنچه را که نزد توست از فضلت که به آن بر اولیای منت نهادی، و به دست آورم به آن طاعتت را که تو نزدیک اجابت کننده هستی.

رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِي عَافِيَتِكَ، وَغَدَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ، وَتَعَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ، تَعَدُّوْا وَتَرَوْحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لِأَعْرِفُ غَيْرَهَا، وَرَضِيَتْ مِنِّي بِمَا أَسَدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْرًا مِنِّي عَلَيْهَا، فَضَعَفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي، فَأَمُنُّ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ، فَبِهَا تَتَمُّ الصَّالِحَاتُ، فَلَا تَنْزِعْ مِنِّي مَا عَوَّدْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ فَأَكُونَ مِنَ الْقَانِطِينَ، فَإِنَّهُ لَا يَقْنَطُ مِنْ

رَحْمَتِكَ إِلَّا الضَّالُّونَ، رَبِّ إِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، وَأَنْبَعَتْ ذَلِكَ مِنْكَ بِالْيَمِينِ لِأَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ فَقُلْتُ: ﴿فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ﴾.

پروردگارا تو مرا به عافیت عادت داده‌ای، و با نعمت تغذیه نموده، مرا غرق رحمت خود نموده‌ای، که شب و روز می‌رسد، با فضل بی‌مقدمه تو که جز آن را نمی‌شناسم، و از من خشنود گشته‌ای، به آنچه به من داده‌ای، که تو را سپاس گویم، سپاسی از من بر آن، پس ناتوان است سپاسگزاری‌ام به سبب اندک بودن کوششم، بر من به سیاست منت گذار، آنگونه که خود به نعمت بر من آغاز نمودی، که به آن کامل می‌شوند کارهای شایسته، و از من جدا مکن آنچه را که از رحمت مرا عادت داده‌ای، که از ناامیدان شوم، زیرا که جز گمراهان، کسی از رحمت ناامید نمی‌گردد، پروردگارا تو گفته‌ای که: «در آسمان است روزی‌تان و آنچه وعده داده می‌شوید» و گفتار تو حق است و آن را دنبال نمودی از نزد خود با سوگند، تا از اطمینان یافتگان باشم. پس گفتم: «و سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که آن حق است همانند آنچه شما سخن می‌گویید».

فَعَلِمْتُ ذَلِكَ عِلْمَ مَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِعِلْمِهِ حِينَ أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ وَأَنَا مُهْتَمٌّ بَعْدَ ضَمَانِكَ لِي، وَحَلْفِكَ لِي عَلَيْهِ هَمًّا أَنَسَانِي ذِكْرَكَ فِي نَهَارِي، وَنَفَى عَنِّي النَّوْمَ فِي لَيْلِي، فَصَارَ الْفَقْرُ مَمْتَلًا بَيْنَ عَيْنَيَّ، وَمَلَأَ قَلْبِي.

پس دانستم آن را، دانستن کسی که از دانشش سودی نبرده است، هنگامی که صبح کردم و شام نمودم در حالی که نگرانم بعد از ضمانتت برایم، و سوگندت برای من بر آن، آنگونه نگرانی که یاد تو را در روز از خاطرم برد و خواب را شب هنگام از من ربود، و فقر در برابر دیدگان من منجسم گردید و قلبم را پر کرد.

أَقُولُ: مِنْ أَيْنَ؟ وَإِلَى أَيْنَ؟ وَكَيْفَ أَحْتَالُ؟ وَمَنْ لِي؟ وَمَا أَصْنَعُ؟ وَمِنْ أَيْنَ أَطْلُبُ؟ وَأَيْنَ أَذْهَبُ؟ وَمَنْ يَعُودُ عَلَيَّ؟ أَحَافُ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَأَكْرَهُ حُزْنَ الْأَصْدِقَاءِ، فَقَدْ اسْتَحْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ إِنْ لَمْ تُدَارِكْنِي مِنْكَ بِرَحْمَةٍ تُلْقِي بِهَا فِي نَفْسِي الْغِنَى، وَأَقْوَى بِهَا عَلَيَّ أَمْرَ الْآخِرَةِ وَالْدُنْيَا، فَارْضِنِي يَا مَوْلَايَ بِوَعْدِكَ كَيْ أُوْفِيَ بِعَهْدِكَ، وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِكَ، حَتَّى أَلْقَاكَ سَيِّدِي وَأَنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ.

می‌گویم: از کجاست؟ و به کجا باشد؟ و چه تدبیری کنم؟ و چه کسی برای من است؟ و چه کنم؟ و از کجا طلب نمایم؟ و کجا بروم؟ و چه کسی به من توجه می‌نماید؟ از سرزنش دشمنان می‌ترسم، و اندوه دوستان را خوش ندارم، زیرا که چیره و مسلط شده است شیطان، بر من. اگر رحمتی از تو به من نرسد، که به آن بی‌نیازی را در روحم افکنی، و به آن نیرومند شوم بر امر آخرت و دنیا، پس مرا خشنود ساز ای مولایم به وعده‌ات، تا وفا کنم به عهد تو، و بر من گسترده ساز از روزی‌ات، و مرا از عمل‌کنندگان به طاعتت قرار ده، تا با تو دیدار کنم ای سرورم، در حالی که از پرهیزکاران باشم.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ، وَاعْفُ عَنِّي وَأَنْتَ خَيْرُ الْعَافِينَ، وَارْزُقْنِي وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ، وَأَفْضَلُ عَلَيَّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُفْضَلِينَ، وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ يُبْعَثُونَ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

خداوندا، مرا ببخش، که تو بهترین بخشنندگان هستی، و بر من رحم کن، که تو بهترین رحم کنندگانی، و از من چشم پوشی کن که تو بهترین عفوکنندگان هستی، و مرا روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی، و افزونی بخش بر من که تو بهترین برتری دهندگان هستی، و مرا مسلمان بمیران، و ملحقم ساز به نیکوکاران، و روز قیامت رسوایم مساز، روزی که مردم برانگیخته می‌شوند، روزی که سود نمی‌دهد مالی و نه فرزندان، ای سرپرست مؤمنان.

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي، وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ تَخْطُرُ عَلَيَّ قَلْبِي، فَأَجُولُ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ، وَأَنَا مِمَّا أَحَاوِلُ وَأُطَالِبُ كَالْحَيْرَانِ، لِأَدْرِي فِي سَهْلٍ هُوَ أَوْ فِي جَبَلٍ أَوْ فِي أَرْضٍ أَوْ فِي سَمَاءٍ، أَوْ فِي بَحْرٍ، أَوْ فِي بَرٍّ، وَعَلَى يَدِي مَنْ هُوَ، وَمِنْ قَبْلِ مَنْ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَ ذَلِكَ كُلُّهُ عِنْدَكَ وَأَنَّ أَسْبَابَهُ بِيَدِكَ، وَأَنْتَ الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ، وَتُسَبِّهُ بِرَحْمَتِكَ.

ای خدا من از جایگاه روزی خودم آگه نیستم تنها رزق خود را به خیالی که بر دلم وارد می‌شود می‌طلبم و در دور شهرها در طلب روزی می‌روم پس من در آنچه طالب آن هستم مانند شخص متحیرم که نمی‌دانم روزی‌ام در صحراست یا در کوه یا در زمین یا در آسمان است یا در دریا، یا در خشکی و به دست کیست و پیش کیست و می‌دانم که علم آن نزد توست و اسباب روزی من هر چه هست به دست توست و تو به لطف و کرم قسمت می‌کنی و سبب آن رزق را به مهربانی خود بر می‌انگیزی.

فَاجْعَلْ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا، وَمَطْلَبَهُ سَهْلًا، وَمَأْخَذَهُ قَرِيبًا، وَلَا تُعْنِنِي بِطَلْبِ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا، فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنِّ عَذَابِي وَأَنَا إِلَى رَحْمَتِكَ فَقِيرٌ، فَجِدْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ يَا مَوْلَايَ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

پس رزقی که به من عطا می‌کنی وسیع فرما و راه طلب آن را آسان گردان و از مأخذ نزدیکی مقرر ساز و مرا در طلب چیزی که بر من روزی مقدر نفرموده‌ای به مشقت مینداز که تو از رنج و عذاب من بی‌نیازی و من محتاج به رحمت نامنتهای توام، پس با فضلت بر من ببخش ای مولایم، که تو دارای فضلی عظیم هستی.